

# مبانی استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری: نظرسنجی از روزنامه‌نگاران و مطبوعات تهران

حسن نمک‌دوست تهرانی\*

## چکیده

گرچه در گفتمان روزنامه‌نگاری امروز ایران، به استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران بسیار اشاره شده است، ولی هنوز درک روشن و همانندی از آن در میان روزنامه‌نگاران کشورمان وجود ندارد. پژوهش حاضر می‌کوشد با مروری بر مبانی نظری موضوع استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری، به دیدگاه روزنامه‌نگاران شاغل در واحدهای مطبوعاتی تهران در این باره بپردازد و متغیرهای تأثیرگذار بر این دیدگاه را شناسایی و ارزیابی کند.

## کلید واژه

روزنامه‌نگار، استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری، آزادی اطلاع‌دادن، نهاد حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری.

## مقدمه

استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران یا به بیان دقیق‌تر استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری، مجموعه‌ای است یکپارچه و درهم تنیده از مقررات و سازوکارهایی که روزنامه‌نگاران را، بنا به

---

\* دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی

ماهیت ویژه این حرفه، از دارندگان دیگر شغل‌ها متمایز می‌کند و برای آنان حقوق مادی و معنوی خاصی قایل می‌شود.

### ۱- ارکان استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری

این مجموعه یکپارچه، دارای ارکان و اجزایی است که پیوندی ناگسستنی با یکدیگر دارند، آن‌ها را می‌توان چنین برشمرد:

- ۱-۱- ضرورت وجود مقررات خاص حرفه روزنامه‌نگاری و مسائل شغلی و استخدامی روزنامه‌نگاران. بنیان این مقررات خاص حرفه‌ای بر محورهای زیر استوار است:
  - تعریف قانونی روزنامه‌نگار مبتنی بر ماهیت حرفه روزنامه‌نگاری.
  - تعیین مرجعی انتخابی، مستقل و حرفه‌ای برای صدور کارت هویت حرفه‌ای.
  - تدوین مقررات شغلی و استخدامی متناسب با حرفه روزنامه‌نگاری.
  - تدوین قانونی خاص برای تضمین دسترسی روزنامه‌نگاران به منابع خبری و حفظ اسرار حرفه‌ای؛

- تدوین مقررات برخورداری روزنامه‌نگاران از «حقوق مؤلف».
- تدوین نظامی مبتنی بر ویژگی‌های حرفه روزنامه‌نگاری برای رسیدگی به تخلفات اخلاقی مطبوعاتی.

۱-۲- ضرورت وجود نهاد حرفه‌ای ویژه روزنامه‌نگاران که مقصود از آن تشکیلاتی است، منتخب روزنامه‌نگاران، دموکراتیک و کاملاً مستقل از دولت و مدیران مطبوعاتی؛ که هرچه این ویژگی‌ها در نهاد مزبور بیشتر باشد، این نهاد اقتدار بیشتری برای به‌دست آوردن و حفظ استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری خواهد داشت.

۳- اهمیت اصول شرافتی و نظام حرفه‌ای ناظر بر چگونگی فعالیت روزنامه‌نگاران.

- ۱-۴- سهم بودن روزنامه‌نگاران در مالکیت روزنامه‌ها و مشارکت در مدیریت واحدهای مطبوعاتی و هیئت‌های تحریریه، به‌ویژه مشارکت روزنامه‌نگاران در انتخاب مسئولان این هیئت‌ها.

۵-۱. به رسمیت شناختن و اجرای مقررات و قوانین بین‌المللی برای حمایت از فعالیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران.

## ۲- ضرورت برخورداری روزنامه‌نگاران از استقلال حرفه‌ای

روزنامه‌نگاران بنا به ماهیت حرفه‌ای خود، با پدیده‌ای خاص یعنی واقعیت‌های مورد توجه افکار عمومی سروکار دارند. این پدیده، همانند همه پدیده‌های زنده، پیوسته در حال نوبه‌نو شدن و دگرگونی و البته پویا و تکرارناپذیر است. همین ویژگی موجب می‌شود، روزنامه‌نگار به لحاظ نوع حرفه‌اش، در عرصه‌های فنی، اجتماعی و اخلاقی، در شرایط ویژه «ناگزیری‌های خاص» قرار گیرد.

به لحاظ فنی، رویدادهایی که مطبوعات به بازتاب آن‌ها می‌پردازند و اغلب غیرقابل پیش‌بینی اند، به یکباره رخ می‌دهند و روزنامه‌نگاران بدون آمادگی قبلی با آن مواجه می‌شوند. از دیگر سو، آنان مجال اندکی برای بازتاب وقایع و رخدادها در اختیار دارند. از این روی، اگر بر این دو ویژگی، یعنی غیر قابل پیش‌بینی بودن رویدادها و ضرورت انتشار آن‌ها در کوتاه‌ترین زمان ممکن، پیچیدگی نهفته در ذات رخدادهای اجتماعی و چند جانبه بودن آن‌ها را بیفزاییم، تصویر دقیق‌تری از ناگزیری‌های فنی که روزنامه‌نگاران در جریان کار روزمره خود با آن مواجه‌اند به دست می‌آید. این همه، در حالی است که روزنامه‌نگاران از تأثیرات هیجانی و عاطفی رویدادها - که گاه تنها شاهدان آن به‌شمار می‌روند - برکنار نمی‌مانند، اما ناگزیرند که موضع ناظر بی‌طرفی را اتخاذ کنند و به گزارش عینی رخدادها بپردازند. همچنین روزنامه‌نگاران از معدود کسانی‌اند که حاصل کارشان هر روزه در معرض داوری و قضاوت، چه از سوی مردم و افکار عمومی، چه از سوی صاحبان قدرت و دولتمردان قرار می‌گیرد.

گستره فعالیت روزنامه‌نگاران تنها به خبررسانی محدود نمی‌شود، آگاهی‌دهی و نظارت بر جریان‌های اجتماعی و کنش‌های سیاسی جامعه نیز جزو لاینفک عملکرد آن‌ها به‌شمار می‌رود. از همین‌روست که صفحات روزنامه‌ها، عرصه تعاطی افکار و عرصه اندیشه‌های نو است و به همین دلیل مطبوعات را یکی از سنگ بناهای اصلی تحقق دموکراسی در جوامع می‌دانند. افزون

بر این، ایفای نقش آموزش و ایجاد سرگرمی برای مخاطبان نیز برعهده مطبوعات است. افزوده بر الزام‌های فنی و اجتماعی، روزنامه‌نگاران در کار خود پای‌بند به اصول و ضوابطی‌اند که در مباحث روزنامه‌نگاری از آن به‌عنوان تز میانی اخلاق حرفه‌ای یاد می‌شود. از منظر حرفه‌ی روزنامه‌نگاری، مادام که تلاش و فعالیت روزنامه‌نگاران مبتنی بر مبانی اخلاق حرفه‌ای نباشد، منزلت نمی‌یابد و رهگشا نمی‌شود. به بیان روشن‌تر، پای‌بندی به این اصول، مرز میان روزنامه‌نگار مسئول و غیرمسئول را مشخص می‌کند.

در مجموع می‌توان گفت، روزنامه‌نگاری چیزی نیست، مگر فرایند تصمیم‌گیری، انتخاب و گزینش‌های آتی، پی‌درپی، پایان‌ناپذیر و بی‌برگشت درباره‌ی واقعیت‌های اجتماعی و چگونگی بازتاباندن آن‌ها در پرتو الزام و ناگزیری‌های فنی، اجتماعی و اخلاقی. این فرایند در تمامی رده‌های سازمان تحریریه (از چگونگی نگاه خبرنگار ساده به رویداد تا آخرین نگاه سردبیر به صفحه‌ی بسته شده) و نیز در شکل و محتوای پیام تولید شده (از انتخاب واژه و تعیین جایگاه آن در جمله تا موضع‌گیری سرمقاله و روح حاکم بر نشریه) در جریان است. این‌جاست که حرفه‌ی روزنامه‌نگاری از دیگر حرفه‌ها متمایز و بنیانی برای طرح ضرورت استقلال حقوقی حرفه‌ی روزنامه‌نگاری فراهم می‌شود.

بنا به ماهیت حرفه‌ی روزنامه‌نگاری، روزنامه‌نگار برای انجام رسالت خاص خود، تمام وجود خویش را در اختیار جامعه می‌گذارد و از آن در برابر کژرفتاری‌های حاکم دفاع می‌کند. جامعه نیز با تدوین قانون و برقراری سازوکارهای ویژه (که در مجموع استقلال حقوقی حرفه‌ی روزنامه‌نگاری نامیده می‌شود)، حقوق مادی و معنوی روزنامه‌نگاران را تضمین می‌کند. در واقع، جامعه با تضمین حقوق روزنامه‌نگاران از حق خود دفاع می‌کند و روزنامه‌نگاران نیز با دفاع از حقوق جامعه، حق خویش را پاس می‌دارند.

صرف‌نظر از شرایط عام حاکم بر حرفه‌ی روزنامه‌نگاری که موجب تمایز آن از دیگر حرفه‌ها می‌شود، شرایط خاصی نیز بر این حرفه در ایران حکمفرماست که دستیابی به استقلال حقوقی از سوی روزنامه‌نگاران ایرانی را، اهمیت بیشتری می‌بخشد.

نخست این‌که، روزنامه‌نگاری ایران، از نبود سنت حرفه‌ای رنج می‌برد. به بیان دیگر،

روزنامه‌نگاری ما گرفتار طفولیت‌ها (و نه حتی زایمان‌های) مکرر بوده است. مجال‌های رشد و بلوغ در تاریخ روزنامه‌نگاری ما دیری نپاییده‌اند و در پی هر دگرگونی اجتماعی، گروه‌های چیره، طفولیت تازه‌ای را به روزنامه‌نگاری ما تحمیل کرده‌اند. متأسفانه دوران کوتاه آزادی (که کودک روزنامه‌نگاری ایران فرصت بازیگوشی را در آن‌ها یافته) چندان پایدار نمانده است که بتوان شیوه‌های روزنامه‌نگاری قابل اتکایی را از آن استخراج کرد. در یک کلام، روزنامه‌نگاری ایران فاقد تکنیک برخاسته از تجربه بومی است.

دوم این‌که، به لحاظ فرهنگ حاکم بر جامعه ایران، مردم تمایل کمتری به اظهارنظر و تحلیل وقایع و رخدادها دارند. تجربه زندگی، این پند را آویزه گوش ما کرده است که سکوت مشکلی به بار نمی‌آورد، ولی سخن گفتن می‌تواند مشکل‌زا باشد. در کنار این امر، احساس بی‌نیازی مسئولان از ادای توضیح به افکار عمومی (مگر در شرایط بحرانی) دشواری‌های دستیابی به اطلاعات و منابع خبر را برای روزنامه‌نگاران دوچندان کرده است.

کنترل و نظارت بر وسایل ارتباط جمعی از سوی دولت به‌طور عام، و دخالت در تمامی امور روزنامه‌نگاران به‌طور خاص، از جمله ویژگی‌های بارز شرایط روزنامه‌نگاری در ایران به‌شمار می‌رود. از همین روست که بسیاری از روزنامه‌نگاران در نخستین تعبیر از استقلال حرفه‌ای، آن را به معنای استقلال از دولت و قدرت می‌دانند. به این ترتیب، تلاش برای دستیابی به استقلال حرفه‌ای از سوی روزنامه‌نگاران ایرانی، چالشی در این سه عرصه فراهم می‌آورد.

### ۳- تعریف روزنامه‌نگار حرفه‌ای

توجه به تعریف روزنامه‌نگار حرفه‌ای و عناصر تشکیل‌دهنده این تعریف در مباحث استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری، به دو دلیل دارای اهمیت است. نخست آن‌که، بیانگر نگرش کلی جامعه (به‌ویژه قدرت و نیروهای اجتماعی حاکم بر آن) به فعالیت روزنامه‌نگاری و در سطحی فزاینده‌تر مقوله آزادی مطبوعات و اطلاعات است؛ و دوم، معیاری برای تشخیص کسانی است که می‌توانند و باید از مجموعه حقوق این حرفه بهره‌مند شوند و در برابر مسئولیت‌های آن پاسخگو باشند. حال آن‌که، معمولاً در نظام‌های کاملاً اقتدارگرا و کاملاً آزادی‌گرا، یا اساساً

تعریفی از روزنامه‌نگار حرفه‌ای در قوانین وجود ندارد و یا این تعریف بسیار گنگ و مبهم است. در حقیقت تلاش به منظور عرضه تعریف دقیق، جامع، مانع و واضح از روزنامه‌نگار، بیشتر از سوی جوامعی بوده است که ضمن باور به ضرورت آزادی روزنامه‌نگاران، بر مسئولیت اجتماعی آنان نیز پای فشرده‌اند. البته نبود تعریف دقیق یا مبهم گذاردن آن در قوانین نظام‌های اقتدارگرا بی دلیل نیست؛ چرا که بدین ترتیب حکومت‌های خودکامه، به مثابه مفسر و مجری قوانین امکان می‌یابند در گزینش افراد در مقام روزنامه‌نگار دخل و تصرف شخصی کنند. از این روست که معمولاً در قوانین حاکم بر این‌گونه جوامع، رسمیت یافتن روزنامه‌نگار نه بر معیارهای حرفه‌ای، بلکه بر معیارهای تعیین شده از سوی دولت استوار است.

از دیگر سو نبود تعریف روشنی از روزنامه‌نگار حرفه‌ای در جوامع کاملاً آزاد (که بر این اساس همگان از حق روزنامه‌نگار شدن برخوردار می‌شوند) خود تبعات منفی بسیاری به دنبال خواهد داشت که در رأس آن نادیده گرفتن اهمیت [مسئولیت اجتماعی] از سوی روزنامه‌نگار است. اگر همگان بتوانند به راحتی از این حق بهره‌مند شوند، چگونه می‌توان از افراد انتظار داشت که در فعالیت روزنامه‌نگاری خود از مسئولیت اجتماعی این حرفه آگاه و به موازین آن پای‌بند و ملتزم باشند؟

#### ۴- کارت هویت حرفه‌ای

آنچه به طور قطع در این باره می‌توان گفت این است که صدور کارت هویت حرفه‌ای از سوی حکومت، آشکارا با استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری در تضاد است. در کشورهایی که روزنامه‌نگاران از حقوق حرفه‌ای بهره‌مندند، مجموعه‌ای متشکل از نمایندگان روزنامه‌نگاران و نهادهای حرفه‌ای آنان از یک سو و نمایندگان صاحب‌نشریات از دیگر سو، وظیفه صدور کارت هویت حرفه‌ای و مطابقت وضعیت روزنامه‌نگاران با شرایط دریافت این کارت را برعهده دارند (مانند: فرانسه، انگلستان، سوئد و امریکا).

#### ۵- مقررات شغلی و استخدامی

ضرورت تدوین مقررات شغلی و استخدامی حرفه روزنامه‌نگاری، به منظور تعیین

طبقه‌بندی شغلی و استخدامی خاص این حرفه، تعیین حداقل حقوق ماهانه، ساعات کار هفتگی و مرخصی‌های استحقاقی و استعلاجی، در نظر گرفتن سابقه کار و تحصیلات در تعیین حقوق و دیگر مزایا است.

حرفه روزنامه‌نگاری به لحاظ ویژگی‌های منحصر به فردش حرفه‌ای خاص به‌شمار می‌رود. ترکیب صفت‌هایی همچون فکری و جسمی، ستادی و میدانی، فردی و جمعی، فنی و هنری، زمان‌بندی شده و غیرمترقبه، تکراری و ابتکاری و... هر یک جنبه‌هایی از ویژگی‌های کار روزنامه‌نگاران را بیان می‌کنند. البته روزنامه‌نگاران نیز باید متصف به صفات و ویژگی‌های خاصی باشند، نظیر: خلاقیت، پیگیری، توانایی نگارش، قدرت تصمیم‌گیری، تهور، سرعت عمل، آگاهی و حساسیت به موضوعات روز، داشتن شم خبری، مجرب در دست‌یابی به منابع خبری، قابلیت ایجاد اعتماد در مخاطبان، آشنایی با جنبه‌های حقوقی و یافتن راه‌های قانونی برای طرح موضوعات و تسلط تکنیکی.

اگر بر این دو موضوع، چگونگی همکاری روزنامه‌نگاران را با واحدهای مطبوعاتی، همچون همکاری همیشگی، پاره‌وقت، موردی و در وضعیت‌های عادی و اضطراری بیفزاییم، تا حدودی به رئوس استدلال‌های لازم بر ضرورت تدوین مقررات شغلی و استخدامی خاص روزنامه‌نگاران، اشاره کرده‌ایم. برخورداری از احساس امنیت شغلی و تأمین معاش، از حقوق مسلم تمامی افراد جامعه به‌شمار می‌رود، که البته از این قاعده کلی روزنامه‌نگاران مستثنا نیستند. چه بسا به منظور موفقیت و احراز شایستگی در مقام روزنامه‌نگار [واقعی] لازم است روزنامه‌نگار خود را تنها وقف این حرفه کند. از این روی تأکید بر تدقیق ضوابط استخدامی و روابط مالی میان روزنامه‌نگاران و واحدهای مطبوعاتی کوششی است برای حرفه‌ای شدن و حرفه‌ای ماندن روزنامه‌نگاران.

## ۶- استعفا بر اساس قید وجدانی

استعفا در میان تمامی مشاغل و حرفه‌ها امری رایج به‌شمار می‌رود و افراد به‌طور معمول در پی یافتن موقعیت‌های شغلی و اقتصادی بهتر اقدام به این امر می‌کنند. در بعضی موارد ادامه کار

به دلایل متفاوت بر حیثیت افراد و یا منزلت اجتماعی آن‌ها خدشه وارد می‌کند؛ و یا حتی تأثیر سوء روانی و عاطفی بر جای می‌گذارد. در چنین وضعیتی در حقیقت استعفا بر فرد تحمیل می‌شود. لیکن این استثنا، از جمله قواعد حرفه‌ی روزنامه‌نگاری به شمار می‌رود و طرح نوع ویژه‌ای از این امر را که از آن استعفا بر اساس قید وجدانی تعبیر می‌شود فراهم می‌کند. در این باره می‌توان به دو دلیل زیر اشاره کرد:

### ۱-۶- ماهیت حرفه‌ی روزنامه‌نگاری

چنان که اشاره شد، روزنامه‌نگاران، با واقعیت‌های روز که در دایره‌ی توجه افکار عمومی قرار دارد، ارتباط مستقیم دارند، همچنین مبانی اخلاق حرفه‌ی روزنامه‌نگاری، روزنامه‌نگاران را در بازتاب صادقانه‌ی وقایع مسئول، می‌داند. به بیان دیگر ارزش‌های اخلاقی حاکم بر این حرفه، از روزنامه‌نگاران می‌خواهد، به پاس اعتماد افکار عمومی، به آن‌ها وفادار بمانند. حال آن‌که منابع قدرت، چه اقتصادی و چه سیاسی، همواره بر آنند تا به منظور دستیابی به اهداف خود (که در بسیاری از موارد در تضاد با منافع مردم است)، مطبوعات را در اختیار گیرند. بدین ترتیب بحث میان منافع عمومی و منافع ناشر و مؤسسه مطبوعاتی از جمله چالش‌های روزمره در محیط‌های مطبوعاتی است. از این رو، خدشه وارد کردن به اعتماد افکار عمومی از سوی منابع مذکور، از جمله دلایل معمول استعفای روزنامه‌نگاران به شمار می‌رود.

### ۲-۶- منزلت و حیثیت روزنامه‌نگار

در حرفه‌ی روزنامه‌نگاری، منزلت روزنامه‌نگار با حیثیت حرفه‌ای او عجین شده است. به طوری که نوع نگرش مردم به هر نشریه بیانگر نوع نگرش آنان به روزنامه‌نگاران وابسته به آن نشریه است؛ و داوری درباره‌ی روزنامه‌نگاران، داوری درباره‌ی نشریه‌ای است که آنان در آن فعالیت می‌کنند.

این ویژگی بیانگر وضعیت خاص مناسبات کاری کارفرمایان مطبوعاتی و روزنامه‌نگاران است و موضوع استعفا روزنامه‌نگاران بر اساس قید وجدانی از همین ویژگی نشأت می‌گیرد.



البته پرواضح است که، روزنامه‌نگاران هر وضعیت و تحولی را در فضای کار مستمسک چنین استعفایی قرار نمی‌دهند و تنها در موارد زیر به استعفا بر اساس قید وجدانی متوسل می‌شوند:

● استعفا به دلیل تغییر مالکیت نشریه.

● استعفا به دلیل تغییر خط مشی نشریه.

با وقوع چنین تغییراتی، روزنامه‌نگاران می‌توانند، مؤسسه مطبوعاتی که صاحب امتیاز یا مهم‌تر، خط‌مشی آن تغییر کرده است را با بهره‌مند شدن از تمام حمایت‌های قانونی ترک کنند. بنابراین در صورت استعفای روزنامه‌نگاران (به اجبار) تأمین حقوق مادی و معنوی آنان به‌طور کامل بر عهده کارفرما خواهد بود.

#### ۷- حق دسترسی روزنامه‌نگاران به اطلاعات و حفظ اسرار حرفه‌ای

تدوین قانونی خاص برای تضمین دسترسی روزنامه‌نگاران به منابع خبری و حفظ اسرار حرفه‌ای، از موضوعات درخور توجه مبحث استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری است. این حق گرچه از ارکان بنیادین حرفه‌ای روزنامه‌نگاران به‌شمار می‌رود، اما متأسفانه در ادبیات روزنامه‌نگاری ایران کمتر به آن توجه شده است.

به رسمیت شناخته شدن حق دسترسی به اطلاعات، طبعاً متضمن آزادی اطلاع‌رسانی و حق آزادی بیان است. از آن‌جا که دسترسی به اطلاعات در هر کشور، از جمله مهم‌ترین ابزار برای تضمین دموکراسی در آن کشور به‌شمار می‌رود، ایجاد شرایط مناسب به این منظور و امکان دسترسی آزادانه شهروندان به اطلاعات مورد نیاز، تنها از سوی روزنامه‌نگاران تحقق می‌یابد. همچنین براساس این اصل مهم که حکومت‌ها تنها مالکان اطلاعاتی که در اختیار دارند، نیستند، حق دسترسی به اطلاعات از سوی جامعه اهمیت می‌یابد. در جهان امروز، اطلاعات منبع اصلی قدرت به‌شمار می‌رود و اغلب، انتشار آن موجبات سود یا زیان افراد، گروه‌ها و دولت‌ها را فراهم می‌کند. بنابراین همچنان که بخشی از نیروهای اجتماعی در جهت تسهیل دسترسی همگانی به اطلاعات می‌کوشند، گروهی دیگر نیز پیوسته در تلاش‌اند برای حفظ منافع خود، با توسل به راه‌های قانونی و غیر قانونی از گستره اعمال این حق بکاهند.

## ۸- حق نویسندگی

تدوین مقررات به منظور تمتع روزنامه‌نگاران از «حقوق نویسندگی» هم از موضوعات مطرح در استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری است. حق نویسندگی دارای دو جزء به شرح زیر است:

۸-۱- حق اقتصادی: این حق، به تعیین دستمزد منصفانه برای دست‌اندرکاران و متخصصان مطبوعاتی در ازای آنچه پدید آورده‌اند کمک می‌کند.

۸-۲- حق اخلاقی: این حق، به نویسندگان و روزنامه‌نگاران امکان می‌دهد که از صحت انتشار آنچه تولید کرده‌اند، اطمینان یابند و بر روند آن نظارت داشته باشند.

## ۹- نهاد حرفه‌ای

وجود نهاد حرفه‌ای ویژه روزنامه‌نگاران نیز از جمله مهم‌ترین ارکان تحقق استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری است. مقصود از نهاد حرفه‌ای، تشکیلاتی است منتخب روزنامه‌نگاران، مکتوباتیک، و کاملاً مستقل از دولت و مدیران مطبوعاتی. هر قدر این ویژگی در نهاد مزبور بیشتر باشد، اقتدار نهاد برای دستیابی به استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری و حفظ آن قوت بیشتری می‌یابد.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نهادهای صنفی و حرفه‌ای در کشورهای در حال توسعه، چگونگی شکل‌گیری، ماهیت و کارکردهای اجتماعی آن‌ها و یا به تعبیری نقش اجتماعی آن‌هاست. در کشورهای دارای سنت دموکراسی، انجمن‌های صنفی - حرفه‌ای به ابتکار اعضای آن حرفه تشکیل می‌شوند و به‌مثابه نهاد رسمی و قانونی پا می‌گیرند. چنین انجمن‌هایی می‌کوشند منافع صنفی - حرفه‌ای خود را به صورت قانون در بیاورند و با توسل به مبارزات سیاسی و اقتصادی، دعوای خود را به کرسی بنشانند و به این ترتیب از منافع اعضای حرفه در برابر اقتدار دولت حمایت کنند. به همین دلیل یکی از نشانه‌های بارز آنچه از آن، به جامعه مدنی تعبیر می‌شود، وجود همین نهادهای حرفه‌ای کاملاً مستقل از دولت و مدافع حقوق اعضای حرفه است.

در مقابل، شکل‌گیری انجمن‌های صنفی - حرفه‌ای در کشورهای غیر دموکراتیک فرایندی کاملاً متفاوت با وضعیت پیش‌گفته دارد. در این کشورها اساساً چنین نهادهایی بنا به خواست و ابتکار دولت پدید می‌آیند و علت وجود و جهت کارکردشان اعمال سیاست‌ها و پیشبرد اهداف دولت است. به همین دلیل از نهادهایی با چنین کارکردی با عنوان انجمن یا نهادهای زرد یا فرمایشی یاد می‌شود.

### ۱۰- مقررات حقوقی ویژه رسیدگی به جرایم مطبوعاتی

ضرورت رسیدگی و دادرسی جرایم مطبوعاتی در حضور هیئت منصفه، در قانون اساسی ایران و کشورهای دیگر و مقررات حقوقی مساعدت‌آمیز آن از جمله مزایای معنوی است که روزنامه‌نگاران در حرفه خود از آن بهره‌مند می‌شوند. در مقابل، نبود تعریف روشن و دقیق از جرایم مطبوعاتی در قوانین و ابهام در موضوع مرجع رسیدگی به این جرایم، امکان دست‌اندازی صاحبان قدرت به حریم حرفه روزنامه‌نگاری و خدشه‌دار کردن حقوق روزنامه‌نگاران را فراهم می‌کند و آنان را از انجام فعالیت‌های حرفه‌ای خبررسانی و آگاه‌گرانه‌شان باز می‌دارد. در نظام‌های اقتدارگرا، واضعان، ناشران، ضابطان، مفسران و مجریان قانون یکی هستند و با توسل به ابهام‌های موجود در قوانین در حفظ وضع موجود می‌کوشند. در مقابل، روزنامه‌نگاران نیز بر زدودن این ناروشنی‌ها اصرار می‌ورزند و به این طریق از حقوق و حریم حرفه‌ای خود محافظت می‌کنند. لیکن نکته درخور تأمل، امکان سوء استفاده روزنامه‌نگاران متخلف از این ناروشنی‌هاست. از آن‌جا که تولیدات روزنامه‌نگاران بر تحولات اجتماعی و نیز زندگی افراد جامعه تأثیر می‌گذارد، رعایت معیارهایی که از آن به مسئولیت، تعهد و اخلاق حرفه‌ای و... تعبیر می‌شود، در این حرفه، اهمیت می‌یابد. مجموعه این ویژگی‌ها و پیچیدگی‌ها، ضرورت پرداختن به بحث جرایم مطبوعاتی، مرجع رسیدگی به این جرایم و حاکمیت معیارها و ضوابط اخلاقی بر این حرفه، را نشان می‌دهد. تحقق استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران نیاز به شفافیت، صراحت و واقع‌بینی قوانین حقوقی و اصول اخلاقی ناظر بر فعالیت‌های روزنامه‌نگاری دارد؛ قوانین و اصولی که برگرفته از تعامل ضرورت‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، حقوق افراد و مصلحت‌های جامعه باشد.

### ۱۱- سهیم بودن مالکیت، مشارکت در مدیریت

سهیم بودن روزنامه‌نگاران در مالکیت روزنامه‌ها و مشارکت در مدیریت واحدهای مطبوعاتی و هیئت‌های تحریریه، به ویژه مشارکت روزنامه‌نگاران در انتخاب مسئولان هیئت‌های تحریریه نیز از جمله مؤلفه‌های استقلال حرفه‌ی روزنامه‌نگاری به‌شمار می‌رود. استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، با استقلال نهادهای مطبوعاتی (که به کار در آن اشتغال دارند)، پیوندی عمیق دارد. روزنامه‌نگار نمی‌تواند به لحاظ حرفه‌ای، مستقل باشد ولی در نهادی مطبوعاتی غیرمستقل فعالیت کند. تحقق استقلال مؤسسات مطبوعاتی در عمل چندان آسان نیست. انتشار مطبوعات نیاز به سرمایه‌گذاری هنگفت دارد و کسانی که این سرمایه را تأمین می‌کنند بالطبع خواستار هم سود مادی و هم معنوی هستند. تجربه نشان داده است که در بسیاری از موارد، راه‌ها و سازوکارهای دست‌یافتن به این سود با ماهیت حرفه‌ی روزنامه‌نگاری و مسئولیت‌هایی اجتماعی - اخلاقی که روزنامه‌نگاران برعهده دارند، در تضاد است و نمی‌توان سود صاحبان مؤسسات مطبوعاتی و معیارهای حرفه‌ای روزنامه‌نگاری را با یکدیگر جمع کرد.

### ۱۲- به رسمیت شناختن حمایت‌های بین‌المللی

به رسمیت شناختن و اجرای مقررات و قوانین بین‌المللی برای حمایت از فعالیت‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاران از دیگر موضوعات مطرح در استقلال حرفه‌ی روزنامه‌نگاری است. گرچه اعلامیه‌ها، میثاق‌ها و عهدنامه‌های بین‌المللی که در آن‌ها بر بهره‌مندی روزنامه‌نگاران از حقوق ویژه و استقلال حرفه‌ای تأکید شده است، از ضمانت اجرای مادی برخوردار نیستند، لیکن چون این حمایت‌ها تا حدود زیادی بیانگر افکار عمومی جهانی درباره‌ی فعالیت‌های آزادی‌خواهانه، آگاه‌گرانه و مسئولانه‌ی روزنامه‌نگاران است، پشتوانه‌ی معنوی قوی برای آنان به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر گذشته از آن‌که بروز هرگونه تحول مثبت در وضعیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران در هر کشور، بیش و پیش از همه منوط به اراده‌ی مردم، روزنامه‌نگاران و دولت آن کشور است، لیکن هم اکنون حقوق و آزادی مطبوعات و روزنامه‌نگاران در گستره‌ای جهانی مطرح و درخور توجه است. تجربیات متعدد تاریخی به روشنی گواه آن است که دیدگاه‌های مغایر با چشم‌اندازهای

جهانی، در دنیای به هم پیوسته کنونی، عمری طولانی نخواهند داشت، و اگر دولت‌ها با درخواست‌های جهانی هماهنگ نشوند، خللی در اراده مردم و روزنامه‌نگاران برای دستیابی جامعه به آزادی و حقوق بنیادین حرفه روزنامه‌نگاری پدید نخواهد آمد.

### ضرورت پژوهش

- بررسی‌های مقدماتی درباره استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری، نشان می‌دهد:
- این مفهوم در مباحثات حرفه‌ای روزنامه‌نگاران جایگاه ویژه‌ای دارد، اما به‌رغم اهمیت موضوع، هنوز روزنامه‌نگاران ایران، درک روشن و مشترکی از این مفهوم ندارند.
  - به‌رغم معانی و مفاهیم متعدد استقلال حرفه‌ای، کمتر روزنامه‌نگاری ضرورت دستیابی به آن را کم اهمیت می‌شمارد.
  - دستیابی به استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری به‌ویژه در کشور ایران، با توجه به حاکمیت دیرینه استبداد بر آن، نه هدفی صرفاً صنفی، بلکه هدفی اجتماعی به‌شمار می‌رود.

### ۱- یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر، از نوع پیمایشی است و جامعه آماری آن عبارت است از: روزنامه‌نگاران واحدهای مطبوعاتی شهر تهران. نوع نمونه‌گیری، تصادفی ساده و حجم نمونه معادل ۳۷۴ نفر است. در گردآوری اطلاعات نیز، از پرسشنامه (مبتنی بر فرضیه‌های تحقیق) استفاده گردید. در پرسشنامه تلاش شد، دیدگاه روزنامه‌نگاران درباره استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری سنجیده شود، و همچنین تأثیر متغیرهای عضویت در نهاد حرفه‌ای، پرداختن صرف به حرفه روزنامه‌نگاری، تجربه فعالیت روزنامه‌نگاری، میزان درآمد، دارا بودن تحصیلات متناسب با حرفه روزنامه‌نگاری و یا گذراندن دوره‌ای خاص از آموزش روزنامه‌نگاری و همچنین نوع وابستگی به نهادهای دولتی و غیردولتی نشریه‌ای که روزنامه‌نگاران به کار در آن مشغولند بر این دیدگاه بررسی شود. بر این اساس، تحقیق با در نظر گرفتن اهداف کلی زیر، به بررسی پاسخ‌های روزنامه‌نگاران پرداخت:

- شناخت ویژگی‌های فردی و اجتماعی روزنامه‌نگاران.
- بررسی دیدگاه روزنامه‌نگاران درباره جایگاه و اهمیت هر یک از مؤلفه‌های استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری به طور عام و وضعیت ارکان استقلال این حرفه در ایران به طور خاص.
- مقایسه نگرش روزنامه‌نگاران درباره موانع تحقق استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری در ایران.
- بررسی موانع تحقق حرفه‌ای‌گری در روزنامه‌نگاری ایران از دیدگاه روزنامه‌نگاران.

## ۲- ویژگی‌های فردی و اجتماعی پاسخگویان

پرسشنامه پژوهش، توسط ۹۵ روزنامه‌نگار زن (۲۵/۵ درصد) و ۲۷۸ روزنامه‌نگار مرد (۷۴/۵ درصد) تکمیل شده است. میانگین سن پاسخ‌دهندگان ۳۴/۳۲ سال، با انحراف استاندارد ۱۰/۴۳ است. حداقل سن در میان پاسخ‌دهندگان ۱۸ و حداکثر ۷۴ سال است. سن ۵۰/۴ درصد پاسخ‌دهندگان از ۳۰ سال تجاوز نمی‌کند، در حالی که تنها ۸/۸ درصد روزنامه‌نگاران پاسخ‌دهنده بیش از ۵۱ سال دارند. این امر نشان‌دهنده جامعه نسبتاً جوان روزنامه‌نگاران است. از میان پاسخ‌دهندگان، ۴۲/۲ درصد مجرد و ۵۷/۸ درصد متأهل‌اند. بیشتر پاسخ‌دهندگان (۵۷/۸ درصد) دارای مدرک تحصیلی کارشناسی‌اند. در مجموع ۸۳/۹ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات دانشگاهی در سطوح مختلف‌اند. رشته تحصیلی ۵۶/۲ درصد از روزنامه‌نگاران متناسب با حرفه روزنامه‌نگاری است و یا دوره‌ای خاص از آموزش روزنامه‌نگاری را سپری کرده‌اند. در مقابل ۴۳/۸ درصد چنین نبوده‌اند.

## ۳- ویژگی‌های حرفه‌ای

۵۷/۳ درصد پاسخ‌دهندگان تنها به حرفه روزنامه‌نگاری مشغولند و ۴۲/۷ درصد آنان، حرفه دیگری نیز دارند. البته در این میان ۶۰/۷ درصد آنان میان حرفه روزنامه‌نگاری (به‌مثابه شغل اول) و شغل دوم خود تناسب حرفه‌ای را رعایت کرده‌اند. بدین ترتیب روزنامه‌نگاران تمام وقت

و حرفه‌ای، پیکره اصلی و تعیین‌کننده روزنامه‌نگاران ما را تشکیل نمی‌دهند. حال آن‌که ۳۹/۳ درصد چنین نیستند. انگیزه ۲۵۰ نفر (۸۲/۵ درصد پاسخ‌دهندگان) در انتخاب حرفه روزنامه‌نگاری، علاقه، تعهد اجتماعی، تحرک و پویایی، اطلاع‌رسانی و کنجکاوی در شناخت رویدادها بوده است. در حالی که تنها ۱۷/۵ درصد عوامل دیگری همچون ارتباط شغلی با رشته تحصیلی، کسب پول، بیان نظریات خود و یا اشتغال صرف و انتخاب اتفاقی را از جمله عوامل پرداختن به این حرفه دانسته‌اند. بدین ترتیب می‌توان گفت که بیشتر روزنامه‌نگاران ما به این حرفه علاقه‌منداند و انگیزه اقتصادی نقش چندانی در روی آوردن آن‌ها به این حرفه ندارد.

از میان پاسخ‌دهندگان ۳۳ درصد در نشریات وابسته به دولت (نهاد رهبری، قوای سه‌گانه، نیروهای نظامی، انتظامی و شهرداری)، ۱۴/۴ درصد در نشریات وابسته به نهادهای خصوصی غیر مطبوعاتی و ۵۲/۶ درصد در نشریات وابسته به نهادهای مطبوعاتی خصوصی به کار مشغول بوده‌اند.

میانگین سال‌های اشتغال به این حرفه از سوی پاسخ‌دهندگان ۱۰/۱۱۸ سال با انحراف استاندارد ۹ است و کم‌ترین آن ۱ و حداکثر آن ۴۸ سال است. با توجه به این‌که ۴۲/۴ درصد پاسخگویان کمتر از پنج سال سابقه کار مطبوعاتی دارند، می‌توان جامعه روزنامه‌نگاران را به لحاظ حرفه‌ای جوان دانست. همچنین ۸۳/۹ درصد از روزنامه‌نگاران پاسخ‌دهنده سابقه کاری تا ۱۹ سال (آغاز کار پس از انقلاب) و ۱۶/۱ درصد بیش از ۲۰ سال (آغاز کار پیش از انقلاب) سابقه کار مطبوعاتی داشته‌اند.

#### ۴- مسائل اداری

۱۴/۸ درصد پاسخ‌دهندگان با واحد مطبوعاتی خود سابقه دعوی حقوقی داشته‌اند. ۸۵/۲ درصد چنین نبوده‌اند. از میان روزنامه‌نگارانی که پیشینه دعوی حقوقی با مؤسسه مطبوعاتی داشته‌اند ۳۸/۸ درصد آنان برای حل اختلاف خود به وزارت کار مراجعه کرده‌اند. در مقابل ۲۰/۴ درصد آنان مراجعه نکرده‌اند. ۱۰/۵ درصد پاسخ‌دهندگان پیشینه اخراج داشته‌اند، در حالی که ۸۹/۵ درصد دارای چنین پیشینه‌ای نبوده‌اند. ۳۹/۶ درصد پاسخ‌دهندگان به هنگام اخراج، حقوق قانونی خود را دریافت کرده‌اند، در مقابل ۶۰/۴ درصد آنان حقوق قانونی خود را دریافت نکرده‌اند.

از میان پاسخ‌دهندگان، ۶۹/۹ درصد سابقه استعفا از واحد مطبوعاتی داشته‌اند، در حالی که ۳۰/۱ درصد چنین سابقه‌ای نداشته‌اند. ۳۹/۴ درصد روزنامه‌نگارانی که استعفا داده‌اند به هنگام استعفا حقوق قانونی خود را دریافت کرده‌اند، در مقابل ۶۹/۸ درصد آنان حقوق قانونی خود را دریافت نکرده‌اند، ۱۴/۵ درصد پاسخ‌دهندگان بر اثر تغییر مالکیت نشریه‌ای که در آن کار می‌کردند، استعفا داده‌اند و ۸۵/۵ درصد چنین نکرده‌اند. همچنین ۳۲/۳ درصد به دلیل تغییر خط‌مشی نشریه استعفا داده‌اند و ۶۷/۷ درصد چنین نکرده‌اند.

از میان پاسخگویان، ۳۰/۲ درصد در کانون‌های مطبوعاتی مشغول بوده‌اند که تعطیل شده است. ۶۹/۸ درصد تا زمان تکمیل پرسشنامه در نشریه ملغاً شده، کار نکرده بودند. از میان کسانی که مؤسسه مطبوعاتی آن‌ها تعطیل شده بود، ۳۹/۴ درصد حقوق قانونی خود را دریافت کرده‌اند. در حالی که ۶۰/۶ درصد حقوق قانونی خود را دریافت نکرده‌اند.

## ۵- دستمزد

به‌طور کلی ۱۹۶ نفر (۵۶/۲ درصد پاسخ‌دهندگان) با تعیین ضابطه‌ها و ایجاد هماهنگی در پرداخت حقوق روزنامه‌نگاران در تمامی واحدهای مطبوعاتی موافق، ۷۴ نفر (۲۲/۶ درصد) تا حدودی موافق و ۷۹ نفر (۲۲/۶ درصد پاسخ‌دهندگان) مخالف‌اند. در پاسخ به پرسش «آیا در واحد مطبوعاتی شما طرح طبقه‌بندی مشاغل اجرا می‌شود؟»، ۴۰/۶ درصد جواب مثبت و ۵۹/۴ درصد جواب منفی داده‌اند. بنا به نظر ۲۳/۴ درصد پاسخگویان، این طرح متناسب با حرفه روزنامه‌نگاری است. ۴۴/۳ درصد تا حدودی آن را متناسب با ویژگی‌های این حرفه می‌دانند و ۳۲/۴ درصد نیز بر این باورند که این طرح با حرفه روزنامه‌نگاری متناسب نیست.

## ۶- حقوق حرفه‌ای

روزنامه‌نگاران در بحث از حقوق حرفه‌ای خود، به ترتیب و در سطح زیاد تا خیلی زیاد بر موارد زیر تأکید کرده‌اند:

۱- بهره‌مندی از آزادی بیان.



۲-۶- تضمین حقوق روزنامه‌نگاران مشغول به کار در نشریاتی که انتشارشان به هر دلیل متوقف می‌شود.

۳-۶- مجازات صریح مسئولانی که مانع از دستیابی آزادانه روزنامه‌نگاران به منابع خبری و فعالیت مستقل آن‌ها می‌شوند، و یا برای ایشان ایجاد محدودیت می‌کنند.

۴-۶- حق عضویت روزنامه‌نگاران حرفه‌ای، صرف‌نظر از تعلق‌های سیاسی و فکری آنان در نهاد حرفه‌ای روزنامه‌نگاران.

## ۷- استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری

### ۱-۷- عوامل ضروری در استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری

روزنامه‌نگاران، از میان هشت عامل مهمی که در این پژوهش، به‌مثابه مؤلفه‌های اصلی در استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری برشمرده شده است، بر ضرورت هر یک به ترتیب زیر تأکید کرده‌اند:

- تدوین قانون استقلال حرفه روزنامه‌نگاری برای تقویت و رفع مشکلات این حرفه.
- تشکیل انجمن‌های حرفه‌ای.
- حمایت از حقوق مؤلف.
- تعیین مقررات خاص حقوقی و اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری.
- سهمیم بودن روزنامه‌نگاران در مدیریت تحریریه نشریات.
- اهمیت حمایت‌های بین‌المللی از فعالیت‌های روزنامه‌نگاری.
- سهمیم بودن روزنامه‌نگاران در مالکیت و مدیریت اقتصادی نشریات.
- تشکیل انجمن‌های مؤسسان و مدیران مطبوعاتی، به‌منظور همکاری با نهادهای حرفه‌ای روزنامه‌نگاران.

### ۲-۷- عوامل آسیب رسان به استقلال حرفه‌ای

روزنامه‌نگاران به ترتیب ده عامل زیر را از مهم‌ترین عوامل آسیب‌رسان به استقلال حرفه‌ای برشمرده‌اند:

- نبود انجمن‌های منسجم و فراگیر برای حمایت از حقوق روزنامه‌نگاران.
- عدم تأمین مالی کامل روزنامه‌نگاران در حرفه روزنامه‌نگاری.
- نبود قوانین مشخص در حمایت از روزنامه‌نگاران و حرفه روزنامه‌نگاری.
- نبود تلاشی پیگیر از سوی روزنامه‌نگاران برای به رسمیت شناساندن، استقلال حرفه‌ای خود.
- حضور قدرتمندانه و همه‌جانبه دولت در عرصه‌های مختلف فعالیت روزنامه‌نگاری و مطبوعاتی.
- مداخله صاحبان امتیاز و مدیران مسئول در امر روزنامه‌نگاری.
- نبود معنایی مشترک از استقلال حرفه‌ای نزد روزنامه‌نگاران.
- کم‌توجهی مردم به مسائل مطبوعات و عدم حساسیت آنان به مشکلات روزنامه‌نگاران.
- نپرداختن به حرفه روزنامه‌نگاری به مثابه شغل اصلی از سوی بسیاری از روزنامه‌نگاران.
- گرایش‌های خاصی سیاسی روزنامه‌نگاران و وابستگی تعداد قابل ملاحظه‌ای از نشریات به جناح‌های سیاسی.

## ۸- روزنامه‌نگار حرفه‌ای

### ۸-۱- تعریف روزنامه‌نگار حرفه‌ای

- پاسخ‌دهندگان به طور میانگین، با این تعریف از روزنامه‌نگار حرفه‌ای که «روزنامه‌نگار حرفه‌ای، کسی است که شغل اصلی، مرتب و با اجرت او، انجام کار در روزنامه‌ها، نشریات، خبرگزاری و یا واحد خبر رادیو و تلویزیون است» در سطح زیاد موافق بوده‌اند.
- پاسخ‌دهندگان به طور میانگین، با این موضوع که «دستمزد روزنامه‌نگاران باید مطابق با تعرفه‌های مورد توافق انجمن‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاران و مدیران پرداخت شود»، در سطح نزدیک به زیاد موافق بوده‌اند.
- پاسخ‌دهندگان به طور میانگین، با این نظر که «واحدهای مطبوعاتی باید نیروهای خود را از میان روزنامه‌نگاران عضو انجمن‌های حرفه‌ای انتخاب کنند»، در سطح متوسط موافق بوده‌اند.

## ۲-۸- موانع حرفه‌ای شدن

پاسخ دهندگان از میان دو عامل «مشکل اقتصادی و نبود امنیت شغلی» و «مشکلات سیاسی (از جانب دولت یا گروه‌های غیررسمی)»، عامل اول را از مهم‌ترین موانع حرفه‌ای ماندن خود برشمرده‌اند. همچنین آنان به طور میانگین با این موضوع که «قوانین موجود درباره روزنامه‌نگاری برآورنده نیازها حرفه‌ای ماندن در این حرفه است»، در سطح کم تا متوسط موافق بوده‌اند.

## ۹- نهاد حرفه‌ای روزنامه‌نگاران

### ۹-۱- عضویت در نهاد حرفه‌ای

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، ۱۰۴ روزنامه‌نگار (۲۹/۱ درصد) سابقه عضویت در نهاد حرفه‌ای مطبوعاتی را داشته‌اند و ۲۵۴ روزنامه‌نگار (۷۰/۹ درصد) تاکنون عضو چنین نهادی نبوده‌اند.

### ۹-۲- مهم‌ترین هدف نهاد حرفه‌ای

۶۲ درصد کل روزنامه‌نگاران شرایط نامطلوب اقتصادی؛ ۳۳/۲ درصد کل روزنامه‌نگاران مشکلات فرهنگی و ۳۳/۲ درصد کل روزنامه‌نگاران، کمبود امکانات آموزش حرفه‌ای را به ترتیب از مهم‌ترین مشکلات حرفه‌ای خود دانسته‌اند. در مقابل، «دفاع از حقوق روزنامه‌نگاران در برابر دولت و دفاع از آزادی بیان»، از مهم‌ترین اهدافی است که از نظر (۶۹/۸ درصد کل روزنامه‌نگاران) باید با تلاش انجمن‌های حرفه‌ای تحقق یابد. کسب حقوق اقتصادی (۴۲/۵ درصد کل روزنامه‌نگاران)، دفاع از حقوق روزنامه‌نگاران در برابر صاحبان امتیاز و مدیران مسئول (۴۰/۴ درصد) و فراهم آوردن امکانات آموزشی (۲۹/۱ درصد) در مراحل بعد قرار دارند.

### ۹-۳- مؤسسان نهاد حرفه‌ای روزنامه‌نگاران

روزنامه‌نگاران با این موضوع که «انجمن‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری نهادی است که

روزنامه‌نگاران به وجود آورنده آن‌اند» در سطح زیاد و بسیار زیاد موافق بوده‌اند. لیکن نظر آنان درباره این‌که «انجمن‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری نهادی است که صاحبان امتیاز و مدیران مسئول نشریات به وجود آورنده آن‌اند» و «انجمن‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری نهادی است که دولت به وجود آورنده آن است» نزدیک به مخالف بوده است.

از میان ده عاملی که می‌تواند مانع موفقیت نهاد حرفه‌ای روزنامه‌نگاران شود، پاسخگویان به ترتیب، عوامل زیر را برشمرده‌اند:

● ناآگاهی روزنامه‌نگاران از مشکلات حرفه‌ای و نقش انجمن‌های حرفه‌ای برای برطرف کردن این مشکلات.

- بی‌اعتمادی روزنامه‌نگاران به کارآیی چنین انجمن‌هایی.
- مخالفت دولت با استقلال واقعی چنین انجمن‌هایی.
- رفتار غیر دموکراتیک مدیریت این نهاد با روزنامه‌نگاران عضو در آن.
- حضور غیر روزنامه‌نگاران (مدیران مسئول و صاحبان امتیاز نشریات) در شکل‌گیری این نهاد.
- احساس مخالفت صاحبان امتیاز و مدیران مسئول با استقلال واقعی چنین انجمن‌هایی.
- حرفه‌ای و تمام وقت نبودن میزان قابل ملاحظه‌ای از روزنامه‌نگاران.
- تفاوت دیدگاه روزنامه‌نگاران قبل و پس از انقلاب درباره مفهوم، کارکرد و ویژگی‌های این نهاد.
- اختلاف نگرش سیاسی میان روزنامه‌نگاران.
- شاغل بودن برخی از روزنامه‌نگاران در واحدهای مطبوعاتی دولتی (به معنای عام آن).

## ۱۰- کارت هویت حرفه‌ای

روزنامه‌نگاران به‌طور میانگین میزان تأثیر کارت خبرنگاری نشریه و کارت‌های وزارت ارشاد را در تسهیل کار خبری خود حتی از متوسط نیز کمتر می‌دانند.

## ۱۱- مرجع صدور کارت هویت حرفه‌ای

۵۳/۱ درصد روزنامه‌نگاران پاسخ دهنده، نهاد حرفه‌ای روزنامه‌نگاران را؛ ۲۶/۴ درصد، نهاد

مشترک روزنامه‌نگاران و مدیران را؛ ۱۶/۳ درصد، مدیران مطبوعات را و تنها ۴/۲ درصد، دولت را مرجع صدور کارت هویت حرفه‌ای روزنامه‌نگاری می‌دانند.

## ۱۲- رسیدگی به جرایم مطبوعاتی

۳۲۴ پاسخ دهنده (۹۱/۳ درصد پاسخگویان)، انجمن‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاران بر اساس نظام مطبوعات را؛ ۲۸ روزنامه‌نگار (۷/۹ درصد)، قوه قضائیه را و ۳ روزنامه‌نگار (۰/۸ درصد پاسخ‌دهندگان) دولت را مرجع رسیدگی به جرایم مطبوعاتی دانسته‌اند. ۲۸۸ روزنامه‌نگار (۸۵/۲ درصد پاسخ‌دهندگان) گستره رسیدگی به تخلفات حرفه‌ای روزنامه‌نگاران توسط نظام مطبوعات یا شورای عالی روزنامه‌نگاران را، «تمامی تخلفات حرفه‌ای» و ۵۰ پاسخ دهنده (۱۴/۸ درصد) «تنها تخلفات خاص اخلاقی» دانسته‌اند.

در مجموع و بر اساس متغیرهای مستقل در فرضیه‌های مطرح در این پژوهش، تفاوت دیدگاه روزنامه‌نگاران درباره موضوعات و مؤلفه‌های مطرح در استقلال حقوقی حرفه را می‌توان چنین جمع‌بندی کرد:

- ۱-۱۲ دیدگاه روزنامه‌نگارانی که پیشینه عضویت در نهاد حرفه‌ای روزنامه‌نگاری را دارند و روزنامه‌نگارانی که چنین پیشینه‌ای ندارند، در موضوعات زیر دارای تفاوت معنادار است:
  - ضرورت تدوین مقررات خاص حقوقی و اخلاقی در حرفه روزنامه‌نگاری برای تضمین استقلال حرفه‌ای.
  - روزنامه‌نگار حرفه‌ای، کسی است که شغل اصلی، مرتب و با اجرت او، انجام کار در روزنامه‌ها، نشریات، خبرگزاری و یا واحد خبر رادیو و تلویزیون است.
  - انجمن‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری نهادی است که صاحبان امتیاز و مدیران مسئول نشریات به وجود آورنده آن‌اند.

۲-۱۲ دیدگاه روزنامه‌نگارانی که در یکی از سه واحد مطبوعاتی وابسته به دولت (در معنای عام آن)، نهاد خصوصی غیر مطبوعاتی و نهاد خصوصی مطبوعاتی کار می‌کنند، در موضوعات

زیر دارای تفاوت معنادار است:

- برخورداری از آزادی بیان به مثابه شرط ضروری برای انجام کار روزنامه‌نگاری.
  - تعیین صریح مجازات در قوانین برای مسئولانی که از دستیابی آزادانه روزنامه‌نگاران به منابع خبری و فعالیت مستقل آن‌ها، جلوگیری می‌کنند و یا در این باره محدودیت پدید می‌آورند.
  - عدم تأمین اقتصادی کامل روزنامه‌نگاران در حرفه روزنامه‌نگاری به مثابه مهم‌ترین مانع حرفه‌ای.
  - حضور قدرتمندانه و همه‌جانبه دولت در عرصه‌های مختلف فعالیت روزنامه‌نگاری و مطبوعات به منزله عامل آسیب‌رسان به استقلال حرفه‌ای.
  - مداخله صاحبان امتیاز و مدیران مسئول در حرفه روزنامه‌نگاران به مثابه عامل آسیب‌رسان به استقلال حرفه‌ای.
  - کم‌توجهی مردم به مسائل مطبوعات و عدم حساسیت آنان به مشکلات روزنامه‌نگاران به مثابه عامل آسیب‌رسان به استقلال حرفه‌ای.
  - مشکل اقتصادی و نبود امنیت شغلی به مثابه مهم‌ترین مانع حرفه‌ای شدن در کار روزنامه‌نگاران.
  - بی‌اعتمادی روزنامه‌نگاران به کارایی انجمن‌های حرفه‌ای به مثابه عاملی برای عدم موفقیت این نهاد.
- ۱۲-۳- دیدگاه روزنامه‌نگارانی که در یکی از رشته‌های روزنامه‌نگاری تحصیل کرده‌اند و یا دوره‌ای خاص از آموزش روزنامه‌نگاری را گذرانده‌اند و روزنامه‌نگارانی که چنین نیستند، در موضوعات زیر دارای تفاوت معنادار است:
- تعیین صریح مجازات در قوانین برای مسئولانی که از دستیابی آزادانه روزنامه‌نگاران به منابع خبری و فعالیت مستقل آن‌ها، جلوگیری می‌کنند و یا در این باره محدودیت پدید می‌آورند.
  - ضرورت وضع قانون استقلال حرفه روزنامه‌نگاری برای تقویت و رفع مشکلات این حرفه.
  - ضرورت تشکیل نهادهای حرفه‌ای برای تضمین استقلال حرفه‌ای، همچنین نبود نهادی منسجم

و فراگیر به منظور دفاع از حقوق روزنامه‌نگاران به‌مثابه عامل آسیب‌رسان به استقلال حرفه‌ای.

- ضرورت انتخاب کادر واحدهای مطبوعاتی از میان روزنامه‌نگاران عضو انجمن‌های حرفه‌ای.
- تفاوت دیدگاه روزنامه‌نگاران قبل و پس از انقلاب درباره مفهوم، کارکرد و ویژگی‌های نهاد حرفه‌ای به‌مثابه عاملی که ممکن است سبب عدم موفقیت نهاد حرفه‌ای شود.

۴-۱۲- دیدگاه روزنامه‌نگارانی که قبل از انقلاب کار خود را آغاز کرده‌اند و روزنامه‌نگارانی که پس از انقلاب به کار روزنامه‌نگاری پرداخته‌اند، در موارد زیر دارای تفاوت معنادار است:

- «ضرورت تدوین مقررات خاص حقوقی و اخلاقی در حرفه روزنامه‌نگاری برای تضمین استقلال حرفه‌ای ضروری است».

- «حمایت‌های بین‌المللی از فعالیت‌های روزنامه‌نگاری برای تضمین استقلال حرفه‌ای ضروری است».
- «انجمن‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری نهادی است که از سوی صاحبان امتیاز و مدیران مسئول نشریات به‌وجود آمده است».
- «مخالفت صاحبان امتیاز و مدیران مسئول نشریات با استقلال واقعی چنین انجمن‌هایی».

۵-۱۲- دیدگاه روزنامه‌نگارانی که تنها به حرفه روزنامه‌نگاری اشتغال دارند و روزنامه‌نگارانی که به حرفه دیگری به جز روزنامه‌نگاری مشغول‌اند، در موارد زیر دارای تفاوت معناداری است:

- «تدوین قانون استقلال حرفه روزنامه‌نگاری برای تقویت و رفع مشکلات این حرفه ضروری است».

- «نپرداختن به حرفه روزنامه‌نگاری به‌منزله تنها شغل از سوی بسیاری از روزنامه‌نگاران».
- «روزنامه‌نگار حرفه‌ای، کسی است که شغل اصلی، مرتب و با اجرت او، کار در روزنامه‌ها، نشریات، خبرگزاری و یا واحد خبر رادیو و تلویزیون است».
- «عوامل سیاسی (از سوی دولت یا گروه‌های غیررسمی) مهم‌ترین مانع حرفه‌ای شدن روزنامه‌نگاران است».

● «تفاوت دیدگاه روزنامه‌نگاران قبل و پس از انقلاب درباره مفهوم، کارکرد و ویژگی‌های این نهاد» و «اختلاف نگرش سیاسی میان روزنامه‌نگاران».

۱۲-۶- دیدگاه روزنامه‌نگاران بر اساس درآمدی که از حرفه مطبوعاتی دریافت می‌کنند، در موضوعات زیر دارای تفاوت معنا دار است:

● ضرورت سهم بودن روزنامه‌نگاران در مدیریت تحریریه نشریات برای تضمین استقلال حقوقی حرفه.

● بی‌اعتمادی روزنامه‌نگاران به کارآیی انجمن‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری.

### آزمون فرضیه‌ها

در این پژوهش، شش فرضیه به شرح زیر تدوین شد:

فرضیه اول. دیدگاه روزنامه‌نگارانی که سابقه عضویت در نهاد حرفه‌ای مطبوعاتی دارند، با دیدگاه روزنامه‌نگارانی که سابقه عضویت در این نهاد را ندارند، درباره استقلال حرفه‌ای، دارای تفاوت معنا داری است.

فرضیه دوم. دیدگاه روزنامه‌نگاران شاغل در نشریات دولتی به معنای عام (نشریات وابسته به نهاد رهبری، قوای سه‌گانه، نیروهای نظامی و انتظامی و شهرداری) و روزنامه‌نگاران شاغل در نشریات غیر وابسته به دولت درباره استقلال حرفه‌ای، دارای تفاوت معنا داری است.

فرضیه سوم. دیدگاه روزنامه‌نگارانی که در یکی از رشته‌های روزنامه‌نگاری تحصیل کرده‌اند (و یا دوره‌های خاص آموزش روزنامه‌نگاری را گذرانده‌اند) و دیگر روزنامه‌نگاران درباره استقلال حرفه‌ای، دارای تفاوت معنا داری است.

فرضیه چهارم. دیدگاه روزنامه‌نگارانی که بیش از ۲۰ سال سابقه کار روزنامه‌نگاری دارند (کسانی که فعالیت روزنامه‌نگاری خود را قبل از انقلاب آغاز کرده‌اند) و روزنامه‌نگارانی که کمتر از ۱۹ سال سابقه حرفه‌ای دارند (کسانی که فعالیت روزنامه‌نگاری خود را پس از انقلاب آغاز کرده‌اند)، درباره استقلال حرفه‌ای دارای تفاوت معنا داری است.



فرضیه پنجم. دیدگاه روزنامه‌نگارانی که تنها به حرفه روزنامه‌نگاری اشتغال دارند و روزنامه‌نگارانی که شغل دیگری نیز دارند، درباره استقلال حرفه‌ای دارای تفاوت معناداری است. فرضیه ششم. دیدگاه روزنامه‌نگاران با توجه به درآمدی که از کار روزنامه‌نگاری کسب می‌کنند، درباره استقلال حرفه‌ای دارای تفاوت معناداری است.

به منظور آزمون شش فرضیه پژوهش حاضر، ۱۵ متغیری که براساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت، از روزنامه‌نگاران درباره آن نظرسنجی شده بود، درم ادغام شدند و بر این اساس متغیری که بیانگر مفهوم کلی استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری است، به دست آمد. سپس با توجه به شش متغیر مستقل مطرح در فرضیه‌های تحقیق و متغیر وابسته‌ای که به این ترتیب از ادغام ۱۵ متغیر پیش گفته به دست آمد، آزمون‌های t، واریانس یک‌سویه و شفه انجام شد. با در نظر گرفتن این‌که انجام آزمون مربع کای، بیانگر تفاوت معنادار دیدگاه روزنامه‌نگاران درباره مرجع صدور کارت هویت حرفه‌ای، مرجع رسیدگی به جرایم مطبوعاتی، گستره رسیدگی به جرایم مطبوعاتی از سوی مرجع حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، تعیین ضابطه‌های حقوقی خاص و هماهنگ کردن حقوق در کل واحدهای مطبوعاتی، و میزان انطباق طرح طبقه‌بندی مشاغل با ویژگی‌های حرفه روزنامه‌نگاری، با توجه به متغیرهای مستقل برشمرده نبود، چنین فرض شد که این مؤلفه‌ها نیز در سنجش دیدگاه روزنامه‌نگاران درباره مفهوم استقلال حقوقی حرفه لحاظ شده‌اند.

انجام آزمون‌های t واریانس یک‌سویه و شفه، براساس متغیرهای مستقل موردنظر، بیانگر تفاوت معناداری در دیدگاه روزنامه‌نگاران درباره استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری نیست. به این ترتیب هیچ‌یک از فرضیه‌های پژوهش حاضر تأیید نمی‌شود.

### دیدگاه کلی روزنامه‌نگاران درباره استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری

دستیابی به دیدگاه کلی روزنامه‌نگاران درباره مبانی استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری، فارغ از وجوه متغیرهای برشمرده تاکنون، از دیگر هدف‌های پژوهش حاضر به‌شمار می‌رود. در حقیقت این بخش به یافتن پاسخ این پرسش اختصاص دارد:

روزنامه‌نگاران به‌طور کلی به موضوع استقلال حرفه خود چگونه می‌نگرند، به چه عواملی برای دستیابی به این استقلال اهمیت می‌دهند و چگونه این مؤلفه‌ها را اولویت‌بندی می‌کنند.

این ارزیابی براساس دیدگاه‌های پاسخ‌دهندگان درباره ۴۴ گویه مندرج در پرسشنامه انجام شده است. فرض بر این است که این گویه‌ها، که به طرح مبانی نظری آن‌ها در بخش‌های قبلی پرداخته‌ایم، معرّف مفاهیم و موضوعات مطرح در استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری است.

### استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری، نقش و جایگاه مؤلفه‌های آن

یافته‌های این بخش مؤید این نکته است که روزنامه‌نگاران ایرانی بیش از موارد دیگر، به موضوع آزادی بیان می‌اندیشند. اجماع بالای روزنامه‌نگاران درباره ضرورت تشکیل انجمن‌های حرفه‌ای به منظور رفع مشکلات خود و در عین حال تعداد اندک روزنامه‌نگارانی که سابقه عضویت در نهاد حرفه‌ای دارند به نسبت کل پاسخ‌دهندگان اندک است (۲۹/۱ درصد کل پاسخگویان)، این امر درخور توجه و بیانگر تناقض میان احساس نیاز به نهاد حرفه‌ای از یک‌سو و عدم عضویت در نهادهای موجود حرفه‌ای از سوی دیگر است. بدین ترتیب شاید بتوان تناقض مطرح را بدین‌گونه ارزیابی کرد که، روزنامه‌نگاران به ضرورت وجود نهاد حرفه‌ای به منظور رفع مشکلات خود باور دارند، لیکن از عضویت در این‌گونه نهادها پرهیز می‌کنند زیرا به کارآیی آن‌ها اعتماد چندانی ندارند. البته توجه به دو گویه‌ای که بیشترین میزان مخالفت را به خود اختصاص داده‌اند، نیز به نوعی می‌تواند روشنگر این بحث باشد:

- انجمن‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، نهادی است که دولت به وجود آورنده آن است.
- انجمن‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، نهادی است که صاحبان امتیاز و مدیران مسئول نشریات به وجود آورنده آن است.

روزنامه‌نگاران همچنین بر ضرورت قانون استقلال حرفه روزنامه‌نگاری و حفظ حقوق روزنامه‌نگارانی که انتشارشان به هر دلیل متوقف می‌شود، تأکید داشته‌اند. آنان مخالفت جدی

خود را با این موضوع که قوانین موجود در حرفه روزنامه‌نگاری برآورنده نیازهای حرفه‌ای ماندن در این شغل است نیز بیان کرده‌اند. هر سه این پاسخ‌ها حاکی از آن است که روزنامه‌نگاران قوانین موجود را یاری‌دهنده و برآورنده مقتضیات حرفه‌ای خود نمی‌دانند.

روزنامه‌نگاران درباره نقش عوامل زیر در تأمین استقلال حقوقی حرفه خود نظر همانندی ندارند:

- حمایت‌های بین‌المللی از فعالیت‌های روزنامه‌نگاری.
- مقررات خاص حقوقی و اخلاقی در حرفه روزنامه‌نگاری.
- سهیم بودن روزنامه‌نگاران در مدیریت تحریریه نشریات.
- تشکیل انجمن مؤسسان و مدیران مطبوعات، برای همکاری با نهادهای حرفه‌ای روزنامه‌نگاران.
- سهیم بودن روزنامه‌نگاران در مالکیت و مدیریت اقتصادی مطبوعات.

شاید بتوان یکی از دلایل اختلاف‌نظر در این گویه‌ها را ناآشنایی روزنامه‌نگاران با نقش هر یک از این مؤلفه‌ها در تأمین استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری دانست. این نکته نیز درخور توجه است که گویه «مشکل اقتصادی و نبود امنیت شغلی مهم‌ترین مانع حرفه‌ای شدن در کار روزنامه‌نگاری است»، از جمله گویه‌هایی است که هر دو گونه روزنامه‌نگار بر آن توافق نظر دارند. در حالی که گویه «مشکلات سیاسی (از جانب دولت یا گروه‌های غیررسمی) مهم‌ترین مانع حرفه‌ای شدن روزنامه‌نگاران است»، از جمله گویه‌های محل اختلاف دو گونه روزنامه‌نگار است.

### عوامل آسیب‌رسان به استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری

در این‌جا نیز روزنامه‌نگاران بیش از همه بر «نبود انجمن‌های منسجم و فراگیر برای دفاع از حقوق روزنامه‌نگاران» توافق نظر داشته‌اند. نکته درخور توجه این‌که سه گویه:

- گرایش‌های خاص سیاسی روزنامه‌نگاران و وابستگی تعداد قابل ملاحظه‌ای از نشریات به جناح‌های سیاسی.

● نپرداختن به حرفه روزنامه‌نگاری به مثابه تنها شغل از سوی بسیاری از روزنامه‌نگاران.

● نبود معنایی مشترک از استقلال حرفه‌ای نزد روزنامه‌نگاران.

موضوع‌هایی اندک روزنامه‌نگاران در مخالفت با آن‌ها به‌منزله عوامل آسیب‌رسان به استقلال حرفه‌ای اتفاق نظر دارند. حال آن‌که در نگاه اول ممکن است، چنین به نظر رسد که این سه عامل باید از جمله عواملی تصور شوند که روزنامه‌نگاران آن‌ها را از جمله علت‌های اصلی آسیب‌رسان به استقلال حرفه می‌دانند.

بیشترین اختلاف‌نظر دو گونه روزنامه‌نگار در عوامل آسیب‌رسان به استقلال حقوقی حرفه، به ترتیب در «حضور قدرتمندانه و همه‌جانبه دولت در عرصه‌های مختلف فعالیت روزنامه‌نگاری و مطبوعات»، «کم توجهی مردم به مسائل مطبوعات» و «مداخله صاحبان امتیاز و مدیران مسئول در کار روزنامه‌نگاران» است. به این ترتیب می‌توان گفت از چهار عامل مؤثر بر فضای فعالیت‌های روزنامه‌نگاران، یعنی، دولت، مردم، مدیران مطبوعات و روزنامه‌نگاران، پاسخ‌دهندگان تنها بر «ناکافی بودن تحرک و تلاش» خود برای به رسمیت شناساندن استقلال حقوقی حرفه توافق نظر داشته‌اند.

### عامل مهم در عدم موفقیت نهاد حرفه‌ای روزنامه‌نگاران

با توجه به این‌که محاسبات انجام شده در این آزمون به تمایز چهار گونه روزنامه‌نگار انجامیده است، از میان ۱۰ گویه‌ای که در آن‌ها به عواملی که ممکن است به عدم موفقیت نهاد حرفه‌ای روزنامه‌نگاران بینجامد، تنها یک گویه مورد توافق هر چهارگونه روزنامه‌نگار است:

**بی‌اعتمادی روزنامه‌نگاران به کارآیی انجمن‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری.**

در نتیجه هر نهاد که بخواهد از استقبال روزنامه‌نگاران بهره‌مند شود، بیش از همه باید در اندیشه جلب اعتماد روزنامه‌نگاران به کارآیی خود باشد.

### نتیجه‌گیری

از مجموعه اطلاعات به‌دست آمده در این پژوهش می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

- ۱- بیشتر روزنامه‌نگاران قوانین موجود در حرفه روزنامه‌نگاری را برآورنده نیازهای خود برای حرفه‌ای ماندن نمی‌دانند. به اعتقاد آنان، نبود قوانین مشخص در حمایت از روزنامه‌نگاران و حرفه روزنامه‌نگاری، از جمله مهم‌ترین عوامل آسیب‌رسان به استقلال حرفه‌ای به‌شمار می‌روند.
- ۲- به اعتقاد روزنامه‌نگاران نبود نهادی منسجم و فراگیر برای دفاع از حقوق حرفه‌ای، مهم‌ترین عامل آسیب‌رسان به استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری است.
- ۳- بیشتر روزنامه‌نگاران، گرچه مشکلات اقتصادی را نیز از معضلات مهم رشته خود دانسته‌اند، اما مهم‌ترین الویت آن‌ها در این باره، برخورداری از آزادی بیان است.
- ۴- بسیاری از روزنامه‌نگاران خواهان تضمین حق دسترسی آزادانه به منابع خبری، و تعیین مجازات در قوانین مربوطه برای کسانی‌اند که مانع دسترسی آزادانه آن‌ها به منابع خبری می‌شوند.
- ۵- بیشتر روزنامه‌نگاران بر این باورند که نهاد حرفه‌ای روزنامه‌نگاران نهادی است که خود روزنامه‌نگاران پدیدآورنده آن‌اند. به باور بسیاری از آنان همه روزنامه‌نگاران فارغ از تعلق‌های سیاسی خود، حق عضویت در نهاد حرفه‌ای را دارند.
- ۶- بسیاری از روزنامه‌نگاران، نهاد حرفه‌ای منتخب از سوی روزنامه‌نگاران را، مرجع مناسبی برای صدور کارت هویت حرفه‌ای خود می‌دانند.
- ۷- بسیاری از روزنامه‌نگاران حمایت از حقوق مؤلف برای روزنامه‌نگاران را به منظور تضمین استقلال حقوقی حرفه خود ضروری می‌دانند.
- ۸- در مجموع و با توجه به گستردگی متغیرهای بررسی شده در این پژوهش، می‌توان گفت که: برخلاف پیش‌دواری‌های مرسوم، جامعه روزنامه‌نگاری، اختلاف‌های بنیادینی در مسائل حرفه‌ای خود ندارند. بدین ترتیب، آغاز گفت‌وگو درباره نقطه نظرات مشترک اما ناپیدای روزنامه‌نگاران درباره مسائل حرفه‌ای، نخستین گام برای دستیابی به استقلال حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری به‌شمار می‌رود.